

کتابخانه فارسی

نیم‌نگاهی به تصاویر

پایه دهم

طرح روی جلد کتاب فارسی دهم



حکیمه خوش‌نظر

سرگروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی
دبیر ادبیات فارسی ناحیه دو تبریز

دیگری هستند که به جذابیت کتاب درسی و یادگیری آن‌ها کمک می‌کنند.

بعضی رویاهای کودکی که در حافظه ما جا مانده، مربوط به تصاویر کتاب‌هایی است که به ما کمک کرده‌اند با داستان ارتباط برقرار کنیم و حتی بعد از سال‌ها آن داستان‌ها به کمک تصاویر، یادآوری می‌شوند. همین موضوع نشان می‌دهد که تصاویر چه نقش مهمی در انتقال مفاهیم ایفا می‌کنند. بدون شک، رنگ‌آمیزی جذاب، ترکیب‌بندی زیبا، همخوانی با متن، ساده‌سازی و قطع کتاب، از جمله ویژگی‌هایی است که در صورت توجه به آن‌ها در طراحی کتاب‌ها، به ویژه کتاب‌های درسی، اثرگذاری کتاب‌ها عمیق‌تر و ماندگاری‌شان بیشتر می‌شود.

امروزه بیشتر تصاویری که دانش‌آموز با آن‌ها سروکار دارد، تصاویری هستند که از تلویزیون و رایانه دریافت می‌کند. متأسفانه این دو وسیله، فرصت التذاذ تصویری را در کودک محدود و بهره‌گیری او از کتاب را دشوارتر کرده‌اند. در نتیجه، کودک به راحتی گذشته نمی‌تواند با بسیاری از کتاب‌ها ارتباط برقرار کند. به همین دلیل است که تصویرسازی کتاب‌های درسی این روزها پیچیده‌تر از گذشته شده است. تصویرگران کتاب‌های درسی برای ایجاد ارتباط بهتر با دانش‌آموزان، لازم است با تجهیز ذهن خود به دانش روان‌شناسی، موفق‌تر عمل کنند.

دانش‌آموزان تصاویری را بیشتر می‌پسندند

که با نیازهای دانش‌آموزان متناسب و از ویژگی‌های علمی لازم برخوردار باشد. یک کتاب درسی باید از ابعاد مختلف شامل ۱. عناصر برنامه درسی (اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزش‌یابی)، ۲. ساختار ظاهری و نگارشی، ۳. ساختار فنی و تأثیرگذاری آموزشی، ۴. نحوه تنظیم مطالب کتاب درسی زیر ذره‌بین نقد قرار گیرد. نگارنده در فرصت اندک خود کتاب فارسی دهم را از بعد دوم یعنی ساختار ظاهری و در این بعد نیز فقط تصاویر کتاب را به بوته نقد گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: تصویر، فارسی دهم، کتاب فارسی ۱، ساختار ظاهری، ساختار فنی، کتاب درسی

از زمان خرید کتاب‌های درسی تا باز شدن مدارس، دل مشغولی بسیاری از دانش‌آموزان، ورق زدن کتاب‌هایی است که یک سال تحصیلی با آن‌ها زندگی خواهند کرد. در این میان، شاید اشتیاق دانش‌آموزانی که وارد دوره جدیدی می‌شوند بیشتر باشد؛ مانند دانش‌آموزان پایه دهم که حس می‌کنند دوران نوجوانی را پشت سر می‌گذارند اما هنوز بین نوجوانی و جوانی معلق‌اند و حتی روحیات کودکی خود را حفظ کرده‌اند؛ مثلاً هنوز هم از کتاب‌های رنگارنگ خوششان می‌آید. منظور از رنگارنگ، فقط رنگ‌های به کار رفته در این کتاب‌ها نیست، بلکه محتوا، تصویر و صفحه‌بندی نیز از عناصر

چکیده

در فرایند یاددهی-یادگیری، کتب درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و فعالیت‌ها و تجارب آموزشی با راهنمایی معلم و مشارکت دانش‌آموزان، حول این کتاب‌ها سازمان‌دهی می‌شود. بنابراین، بازسازی و بهبود محتوای کتاب‌های درسی امری اجتناب‌ناپذیر در هر نظام آموزشی است؛ زیرا با نقد و بررسی محتوای کتب درسی در ابعاد مختلف با توجه و استفاده از نظرات معلمان، به عنوان مجریان برنامه درسی، انتظار می‌رود محتوای این کتب به گونه‌ای انتخاب و سازمان‌دهی شود

که شرایط کنونی را تصویر کند. اما در عین حال با تخیل همراه باشد و از اغراق‌های بامزه و خنده‌دار بهره گیرد. البته باید توصیف‌های متن از قبیل شخصیت‌ها و فضاسازی‌ها نیز در تصاویر لحاظ شوند و با این روش، به ارائه جزئیات بیشتر پردازند. باید توجه داشت که تصاویر کتاب در صورت بهره‌مندی از تخیل و اغراق‌های بامزه، سطح بالاتری از تفکر و تخیل دانش‌آموز را برمی‌انگیزد و بر این اساس، امکان درک معنا و اهمیت آن را افزایش می‌دهد و به این ترتیب، گامی فراتر از نویسنده و تصویرگر برمی‌دارد.

بنابراین، اگر موضوعی ارزش سهیم شدن با دانش‌آموز را دارد، لازم است هوشمندانه و با ظرافت خاصی تهیه و انتخاب شود. متأسفانه، با نیم‌نگاهی کنجکاوانه به کتاب فارسی دهم می‌بینیم این امر محقق نشده است؛ تصویرگری با ظرافت و دقت صورت نگرفته و انتخاب‌ها خیلی سطحی و شاید عجولانه است.

اما تصاویر کتاب فارسی دهم به ما چه می‌گویند؟

طرح روی جلد کتاب فارسی دهم، از بخش «آزمودن فریدون سه پسر را» از شاهنامه فردوسی انتخاب شده و با تصویر درختی سبزی ترکیب یافته است. طرح و نوشته‌های داخل تصویر واضح و خوانا نیست ولی در نگاه اول، ترکیب تصویری از شاهنامه و درخت سبزی و حروف پس‌زمینه متناسب به نظر می‌رسد و حداقل چشم را آزار نمی‌دهد و به نوعی می‌شود گفت که در آن، ترکیب رنگ و تصویر سازگاری دارند.

در صفحه ۱۰ کتاب، ستایش، متأسفانه محتوا با تصویر زمینه همخوانی ندارد. در متن شعر، مفاهیمی چون بهار و طبیعت رنگارنگ و گل‌های خندان، شکوه و زیبایی آفرینش را بیان می‌کنند؛ در حالی که تصویر زمینه، زمستان و درختان کاج سر به فلک کشیده و هوای مه‌آلود سرد را با

رنگ تیره و روشن نشان می‌دهد. می‌شد به جای این تصویر سرد و بی‌روح، تصویر طبیعت زنده و شاداب را قرار داد. درست است که کیفیت کاغذ و رنگ‌های به کار رفته در تصاویر در وضوح آن‌ها بی‌تأثیر نیست اما باید گفت متأسفانه کتاب از این لحاظ هم می‌لنگد.

تصویر درس یکم، نمایی از دریا را نشان می‌دهد؛ دریایی آرام و بدون موج... انگار در

تصویر صفحه ۱۰ کتاب



انتخاب تصاویر به متن درس‌ها توجه نشده است! در کجای شعر نیما نشانی از دریای آرام است؟ ای کاش تصویری از چشمه‌ای خروشان و در حال حرکت انتخاب می‌شد

یا دریایی موج یا هر دو... از این تصاویر، حداقل در اینترنت فراوان است!

تصویر روان‌خوانی «خسرو» تصویر زیبایی است (ص ۲۱) اما ظاهراً کسی که تصویر را برای این درس انتخاب کرده، به متن درس اشراف نداشته است. در متن درس آمده است که خسرو در ورزش استعدادی شگرف داشت و با آن سن و سال با دانش‌آموزان هشتم و نهم کشتی می‌گرفت و همه را به زمین می‌زد؛ به طوری که در مدرسه حریفی در برابر او نمانده بود ولی تصویر مربوط به درس، برخلاف آنچه گفته شده، تصویر دانش‌آموزی نحیف ترسیم شده است.

در مورد دیگر، در متن درس بیان شده است که معلم قلم را در دوات می‌کند و می‌نویسد؛ در حالی که در تصویر، خودنویس در دست معلم است نه قلم (و دوات).

تصویر پایانی درس خسرو، تصویری از پنجره میله‌دار داخل نقوش اسلیمی است که تداعی‌کننده مفاهیمی چون اسارت

تصویر صفحه ۲۱ کتاب



و زندان است و با متن همخوانی دارد (ص ۲۶).

بعضی تصاویر انتخاب شده برای معرفی فصل‌ها با اهداف فصل‌ها همخوانی ندارد یا سرد و بی‌روح و سیاه و سفید است. تصویر پس‌زمینه فصل دوم با عنوان «ادبیات سفر و زندگی» سنگ‌فرش خیابان است و بی‌رنگ و بی‌روح که به هیچ روی تداعی‌کننده زندگی نیست یا در تصویر زمینه فصل سه «ادبیات غنایی» چه اشکالی داشت که تصویر رنگی از گل‌ها ارائه می‌شد نه سیاه و سفید و تار؟ یا در فصل چهار، از رنگ تصویر که بگذریم

▼ تصویر صفحه ۲۶ کتاب



پرنده اسیر در لای سیم‌های خاردار تصویر جالبی برای ادبیات پایداری نمی‌تواند باشد. تصویر فصل پنج، رنگی و خوب است و همخوانی نیز دارد. در فصل ششم تصویر زمینه با محتوای فصل همخوانی دارد اما کدر و بسیار تیره است و کاش رنگی بود. تصویر فصل هفت سیاه و سفید و تار است. دقت داشته باشیم که سیاه و سفید کردن تصویر دلیل قدیمی بودن آن نمی‌تواند باشد؛ بنابراین، بهتر است از تصاویر رنگی و شفاف استفاده شود و موضوع تصویر حداقل با یکی از متون فصل ارتباط داشته باشد. فصل هفت، تصویری از یک تابلوی معروف نقاشی است و ای کاش مشخصات تابلو در پای تصویر نوشته می‌شد. (تصاویر پیشنهادی به پیوسته مقاله آمده است.) از نگاه یک نوجوان دبیرستانی بعضی

تصاویر کتاب خالی از لطافت و زیبایی هنری است. اغلب نوجوانان تصاویر کتاب را بی‌روح و کسل‌کننده می‌دانند. برای اثبات این مدعا به تصویری از ناصر خسرو و برادرش در درس سوم (ص ۳۰)، استناد می‌کنیم. تصویر ناصر خسرو زشت ترسیم شده است؛ به طوری که دانایی و عظمت و خردورزی او در آن هیچ نمودی ندارد. تصویر صفحه ۳۶ مربوط به حکایت گرگ و سگ است. در این تصویر، گرگ مسلط بر سگ نشان داده شده است؛ در حالی که با توجه به داستان، سگ در اوج تسلط بر گرگ، به او فرصت خوردن گوسفندان را می‌دهد.

تصاویر کتاب در صورت بهره‌مندی از تخیل و اغراق‌های بامزه، سطح بالاتری از تفکر و تخیل دانش‌آموز را برمی‌انگیزد و بر این اساس، امکان درک معنا و اهمیت آن را افزایش می‌دهد و به این ترتیب، گامی فراتر از نویسنده و تصویرگر برمی‌دارد

تصویر اسب در درس پنجم «کلاس نقاشی» بسیار بجا انتخاب شده است: آسی که نشان از طراحی با گِج دارد بر روی تخته سیاه. این تصویر کاملاً متناسب با درس است و با متن درس همخوانی دارد (ص ۴۰).

در روان‌خوانی «پیرمرد چشم ما بود» بهتر بود تصویر نیما به شکل سیاه قلم نباشد (ص ۲۴)؛ بجا بود که تصویری واضح از چهره نیما همراه قطعه‌ای کوچک یا بریده‌ای از قطعات زیبایی‌ش به همراه تصویر واضح‌تر چاپ می‌شد تا هم‌زمان دانش‌آموز با چهره و نمونه‌ای دیگر از اشعار نایش آشنا شود و در نتیجه، جاذبه درس افزایش یابد. در درس ششم «مهر و وفا» تصویر با

متن شعر همخوانی ندارد. در متن شعر حرفی از گل و بلبل نیست؛ هر چند گل و بلبل نمادی از معشوق و عاشق است اما درک ارتباط این نماد با متن شعر، هنوز برای دانش‌آموز پایه دهم زود است و بهتر بود تصویری از حافظ در این درس قرار می‌گرفت.

با توجه به اهمیتی که درس هفتم از باب توجه دانش‌آموز به کتاب آسمانی قرآن دارد، بهتر بود زمینه این درس تصویری از روی جلد قرآن باشد.

در شعر خوانی بسوی گل و ریحان‌ها (ص ۵۸) تصویر با متن شعر همخوانی ندارد. احتمالاً تصویرگر محترم کتاب تصویر غروب را فقط با توجه به بیت پایانی انتخاب کرده است که با توجه به مفهوم کل شعر انتخاب مناسبی نیست.

در درس نهم، غرش شیران، رابطه تصویر و درس نامفهوم است (ص ۶۹). تنها قسمت مشترک این دو، زمان شاعر و حمله مغولان در آن دوره است. سیف فرغانی مانند بسیاری از مشایخ عهد خود- که ایران را به سبب هجوم و آزار مغول و تاتار ترک می‌گفته و در کشورهای همسایه گرد می‌آمده‌اند- در تاریخ نامعلومی از زادگاه خود به آسیای صغیر رفته و همان‌جا مانده و در گذشته است. ارتباط دیگری بین ابیات و تصویر وجود ندارد.

تصویر مربوط به شعر خوانی «باز این چه شورش است» ظاهراً سینه‌زنی را نشان می‌دهد ولی چرا از آن زاویه و چرا به صورت سایه‌روشن؟ می‌شد زمینه کل صفحه را به تصویری گویا از مراسم عزاداری اختصاص داد که عظمت و شکوه ماه محرم را نشان دهد.

در درس دهم «دریادلان صف‌شکن» بهتر بود از تصویر رزمندگان غواص استفاده می‌شد.

تصویر درس یازدهم به خوبی و متناسب انتخاب شده است و با متن شعر کاملاً همخوانی دارد.

در روان‌خوانی «شیرزنان ایران» (ص ۸۸) تصویری که از بانوی آزاده مورد استفاده قرار گرفته بسیار متناسب با متن درس است. صلابتی که در چهره این بانو رسم

مسئله حساسیت کار تصویرگر را بیشتر نشان می‌دهد؛ زیرا دانش‌آموز با تصاویر زندگی می‌کند، از راه دیدن بر تجرب خود می‌افزاید، واقعیات را ارزیابی می‌کند و به درک تازه‌ای از محیط پیرامون خود دست می‌یابد. تمامی این‌ها تصویرگر را ملزم می‌کند تا درک درستی از دانش‌آموز امروز به دست آورد. تصویر، در واقع، پل ارتباطی میان دنیای درون و بیرون دانش‌آموزان

تصویر صفحه ۵۳ کتاب ▼



است و بر این اساس، چگونه دیدن، خوب دیدن و درک لایه‌هایی فراتر از سطح را به آن‌ها می‌آموزد. به همین دلیل، یکی از نکات مورد تأکید منتقدان در اهمیت تصویرگری کتاب‌های ادبیات، همین خیال‌انگیزی است. آن‌ها معتقدند که تصاویر به اندازه متن و گاه بیش از آن در کتاب‌های درسی اهمیت دارند.

منبع

۱. کتاب فارسی (۱) پایه دهم کد کتاب: ۱۱۰۲۰۱

درس هجدهم «عظمت نگاه» باز هم عدم تناسب تصویر و متن درس را به رخ می‌کشد (ص ۱۴۱).

در روان‌خوانی «بینوایان» (ص ۱۴۹)، تصویر کوزت تداعی‌کننده کودکی نحیف، لاغر و ریزاندام نیست.

در ادامه، باید اذعان داشت که بعضی تصاویر کتاب نه تنها از بعد زیبایی‌شناختی و هنر تصویرگری کتاب‌های درسی دچار تزلزل است بلکه در بسیاری از موارد (که ذکر شد) ارتباط دادن تصاویر با متون برای خواننده بزرگسال نیز دشوار است چه برسد به دانش‌آموز پایه دهم؛ مثل تصاویر مربوط به بعضی از گنج حکمت‌ها (صفحه ۱۰۲ و صفحه ۸۲) که به جای آن‌ها می‌شد تصویری گویا انتخاب کرد که با متن درس نیز همخوانی داشته

از نگاه یک نوجوان
دبیرستانی بعضی
تصاویر کتاب خالی از
لطافت و زیبایی هنری
است. اغلب نوجوانان
تصاویر کتاب را بی‌روح و
کسل‌کننده می‌دانند

باشند و مفهوم را در ذهن دانش‌آموز ماندنی کند. تصویر گنج حکمت صفحه ۶۸ و صفحه ۵۳ بسیار گویاست؛ هر چند سبک و سیاق تصاویر گنج حکمت به یک سبک و روال است که باز از نظر قبول یا رد از طرف دانش‌آموزان باید بررسی گردد.

در این فرصت اندک با بررسی اجمالی تصاویر کتاب فارسی دهم دیدیم که اهمیت تصویرگری کتاب درسی آن هم در ادبیات خود را پررنگ‌تر نشان می‌دهد؛ زیرا تصویر علاوه بر کمک به درک مفاهیم، می‌تواند به رشد تخیل و روایسازی دانش‌آموز نیز کمک کند و مقدمه‌ای باشد برای درک ملزومات ورود به دنیای بزرگ‌تر. همین



تصویر صفحه ۸۸ کتاب ▲

شده در مقابل تفنگ‌هایی که به سوی او نشانه رفته است، کاملاً گویای متن درس است. ای کاش کادر متنی در پای تصویر هم قرار نمی‌گرفت.

در درس یازدهم «رستم و اشکیوس»، تصویر با درس متناسب است اما به نظر می‌رسد اگر از تصاویر رنگی مینیاتوری شاهنامه استفاده می‌شد، بهتر بود.

در درس سیزدهم «گردآفرید»، هیچ تصویری در زمینه وجود ندارد. تصویرگر محترم می‌توانست تصویری از گردآفرید در حالت جنگ با سهراب انتخاب کند که گویای رشادت این پهلوان زن ایرانی باشد. تصویر درس چهاردهم «طوطی و بقال» مناسب متن درس است.

در درس شانزدهم، رنگ انتخابی تصویر گاه مانع درک جزئیات پیام تصویر می‌شود. برای مثال، در ص ۱۲۳ در تصویر دشنه خون‌آلود در دست شرر، رنگ خونی که حاصل کور کردن چشمان خیر است قابل درک نیست. در عین حال، اصلاً چرا باید چنین تصویر زشت و خشنی برای این پایه سنی انتخاب شود؟

تصویر روان‌خوانی «طاران» صرف‌نظر از رنگ سایه و سفیدش مناسب انتخاب شده است.

در درس هفدهم «سپیده دم» نحوه قرار گرفتن تصاویر آشفته است. انتخاب چند تصویر هم‌زمان در صفحه ۱۳۴ و ۱۳۵ نشان از این آشفتگی دارد و گویای دخالت ندادن هنر تصویرگری در این کتاب است.